

File No.

1856.57.

Collection No. 9

MUTINY PAPERS

Proc.
Serial Nos.

Files of SIRATUL AKHBAR.

Vol. 12; no. 39; December 13, 1956.

Subject.

News about The Mughal Court at Delhi and select news from The DELHI URDU AKHBAR.

Vol. 4; Size 12" x 7 3/4". (Printed).

Previous References.

Latest References.

سراج الاخبار

جلد دوم

حیات محمدی و سید عالم و سید عالم و سید عالم
 اخبار دربار جهان از حضرت طلب بجانی خلیفہ الرحمانی فرزند خاندان
 عالمیشان کورکانی عراق و دوران بخت و شان صاحب نظرانی خلد ملک
 و خلافت بہرام کرد و آبان

در ایام سمن زمان مین
 علیخان سمرقند محمد خان خانم حضور
 شد و در گذارند و نور عنایت
 خسروی جوہرہ فرخ سیری و سپہ سالار
 بابت شادی کتخای و خطاب
 حام الدولہ ولایت علیخان محمد
 بعد قبول نذر شکرہ اش ادا و کوشش
 بخت بہادر و قلعدار بہادر بزرگ
 ملاحظہ واجب العرفین سستت بہادر
 بختی سح نقل غرضی رنجیدہ دار و غنایم
 صاحبہ آباد مقبہ بہ ارجاع فالش آتہ
 زمین تپولی مقبہ محمد بخش علی
 علاقہ روشن آرا و سر بندی سہ ماہ

امی کو تہذیب عطف عثمان جانب کتخای
 ستر این پناہ افغان نازیکہ فرمودہ
 الدولہ بہادر بر سعادت نفس شنای
 بخشیدہ رونق افروز دیوان خاص
 شدند اعیان حضرت و اکان ولایت
 نسل معتبر الدولہ بہادر و معین الدولہ نظار
 خان سردار الدولہ ولد علیخان و میر علی
 بہادر و سیف الدولہ و کبیل سطلے
 و نجم الدولہ محمد بہادر خان محمدان
 دوران و سمس الدولہ بخشی بخش خان
 و دیگر اراکین و قسان کورکانش کاؤرہ
 نقل خلیفہ اسد شاد و درین ایام ولایت

در شب بخت ارضی مذکور از تنگانه فیض
 با بیکاه فرمودند که جوایش از غیب
 عزای سالی خواب یافت بعد از شب
 فرمای سینه اندرون محل والاشه
 نصف النهار هنگام نهمت برای باده
 طعام گشته قبول گاه از سینه با دوا
 نماز یکشنب و دیگر اشغال و کشین
 حصه که ازین آخرین نماز متوجه
 تفریح بزرگ بود که شده است ام گاه
 از راه در بجه سلیم گاه داخل بارگاه
 جبهانی گردیدند و حسب معمول
 احترام الدوله بباد را یاد فرمودند

یوم دوشنبه پانزدهم

بدین سفینه مایه از فرقه و سینه
 موهله سفینه احترام الدوله بباد را
 شدت نفس شناسی در وقت بعد
 زینت بخش در بارگاه باده گردید
 چو وقت نیم ماه به این منوال گردید
 پس از آن از قدم نهمت از دم بارگاه

خاص را رنگ ببار فرودین ساخته
 نصف النهار هنگام لذت بخش خون
 طعام شد قبول گاه از سینه با دوا
 نماز یکشنب و دیگر اشغال و کشین
 خوازنده آخرین نماز متوجه طرف دیوار
 خواص باده گشته است ام از آنجا مراجعت
 نموده رونق افروز شستن و نشانه
 شده فقط

یوم دوشنبه شانزدهم

ناتناز با شیر صبح فرضیه وقتی اول ماه
 احترام الدوله بر نفس مقدس قضایا
 کردند بوجوه حضور بی اکنین بلند
 تکلیف در بار را از اقدام عالی مقام
 رشک گلستان فرموده اوداد
 و کوشش بدار آن و حرا امن ایشان
 ند بر فتنه بر وقت داخله ای محمل والا
 نصف النهار هنگام نهمت برای
 خوان طعام شده قبول گاه
 از سینه با دوا نماز یکشنب و دیگر

اشغال دشمن محصور گردیدند محصور
 تونک رکاب و دیگر عمده حقیقتاً
 متوجه سیر بار بر تشریف شده
 و در اثنای راه نظارت خان
 و دیگر اربابان دشمن را بقتض
 مجرا نواخته نگام شام از راه
 دید پس خواص پوره داخل الوا
 بهشت عنوان شدند بعد مغرب
 حسب معمول احترام الله و له تعالی
 را اندرون محل و الایاد فرمودند

یوم شنبه هجدهم

قبل از نمودن جهان آورد طاعت
 گذارده احترام الله و له تعالی
 نفس شناسی بخشیدند و بعد از آن صوره
 را ای در جهان بار شده اذان
 و کور نشین شد در آن دشمن را
 حایقشان بر بر خفته سخن وقت
 قطعه شقه معنی فرمودند در آواز
 امین الله و له تعالی بارشاد طلب

۳ جمع خرس ۶۳ فصلی برکنه کو تقام
 و هنوز امانت دشمن قساط فرمودند
 و دوی شعر تحریر دشمن جوانه سوال
 سو سو مه مرزا محمد ظهیر الدین مقدمه
 مسامت مانود عینه و جنبه شاد
 مستجل مهر خاص فرموده بنا بر حسب
 حواله غلام احمد خان سبه جوکی دیوان
 خاص نمودند حکم شد که چون سائل
 بجهت صند و بجاه و شکست منقضی
 گردیدن است نقشه ولایت را در گان
 لازم سرکاری حسب دستور
 مرتب گردد چنانچه ارشاد و الا کار
 ملاحظه قدس در آوردند بعد برین
 دستخط صادق صیر و کیلی سکا
 رای حکم استی کرده لغرض رسید که
 لایحه با درسی مع دیگر انگه زان
 رای شرف قلعه معطل آمده فرستند
 داخل ابوان دشمن شدند
 نصف آنها بیگام نعمت بر سر می
 کشته قطعه که گاه اراستند تا
 نماز دشمن و دیگر اشغال دشمن

عصر خوانند از خضرین نهار شود
 و گلگشت باغ مسلم گده گردیده ملاحظه
 گاه نما و مصروف نشسته باز عرض
 شد که کند راجحف بهادر معده و مگر
 بهادران ذیشان برای سیر قلعه
 آمده بود فرمودند که معلوم گشت
 شام گاه نهار بخامرحت نموده در
 شیشان اقبال گردیدند بعد مغرب
 حسب معمول احترام الدوله بهادرا
 یاد کردند فقط

سلطان استراخ دادند پس از آن
 شفق خاص شعر حالات نزارج افس
 بنام فطانت باب عرضد و فرموده
 داخل ایوان ذیشان شدند نصف النهار
 هنگام نهمت پیرای مایه لعاب شده
 قلوبه گاه از استند بادای نماز
 بنشین و در پیر اشغال دشمن
 عصر که آمدند از خضرین نهار
 مخصوص تونرک رکاب متوجه
 سیر و گلگشت نهار نترشی شده
 از بودی خواص بوره رونق افروز

یوم چهارشنبه مجسم
 ساعت دوازده و ربع
 بجای آورده احترام الدوله بهادر را
 بر نفس مقدس قایم فرمودند
 بعد از عرض حضور
 اراکین در بار نورافشان سیر
 عرش مصیر دیوان خاص نشسته
 معتبر الدوله بهادر و حکمت نهار
 اجازت زیارت درگاه حضرت

یوم پنجم روز دهم ربیع الثانی
 یادادان بادای نماز و قبی احترام
 الدوله بهادر را بر نفس شناسی
 ممتاز نموده در بار جهان
 ار استند ارکان ذیشان آباد
 و کورنش بجای آورده دست سبب التماس

ملاحظه در قطعه ششم و الا کی اسمی
 این دولت بهادر و بیاضی عرض نهادر
 مدوح که مقدمه و بجزیه بود و هشتم
 ماه در شهر ششم بود و منع کیفیت
 منصفان و دولتی مقدمه سکندر زمانی
 در عهده شرفی اطلاق حیالی و از آن
 مرزا با برکت بهادر مرعوم سبیل مهر خا
 فرود آمد بنا بر این امر ششم حواله نظام
 احمد خان سزجی کی نموده بود و بقیه بقیه
 در ادب و کوشش بخت بهادر
 و قلعه بهادر در سلا خطه سه قلیه
 واجب لطف عرض ستمش و بهادر
 یکی همه نقل رو بکار عدالت و بکار
 و بجزای مقدمه مرزا اولان شکوه و مرزا
 جدید شکوه و غیره سیلان محتوی
 کردین ایل متفرقه از جهات بخت بود
 جهان به ورنه نوبکم و نواب کلاری
 بکم نام وزیر بخشش و بجزای اصلی
 حکم عدالت صلح و ملی در حکم صدر
 دیوانی و بعد انتقال نواب جهان بود
 بانوبکم احد الا بلان و در حکم صدر

برای تحقیقات وراثت سیلان و
 داخل شدن قطعه اقبال و عمومی از جانب
 سیلان مع اصل قطعه اقبال و کوه
 نیکو با بسته عالی صد و در حکم والا
 نام کار که از آن خلافت جهت تحقیقات
 وراثت شرعی سیلان از آن جهان
 پرور بانوبکم و سکونت بودن ایشان
 در قلعه مبارک و دولتی مع نقل صورت
 حال عدالت فرجباری و بجزای اصلی
 در پیش بودن نکر از بانوبکم و نواب
 نقلی زمانی سکونت مرزا نصر الدین
 و بجزای صورت در نواب نکر است
 مرزا غیر الملک و غیره
 نکران و بانوبکم عالی انصاری
 از غنای که سی که مرزا غیر الملک و کلام
 کس بانوبکم از آن نکران بخت بود
 و دولتی مع نقل صورت حال عدالت
 فرجباری و بجزای اصلی
 در حکم عدالت صلح و ملی در حکم صدر
 دیوانی و بعد انتقال نواب جهان بود
 بانوبکم احد الا بلان و در حکم صدر

ما سید عامی نقاد حکم و الامت کلام کذا را
 خلافت جریه بخصفیات و بلاشتم
 حال سرزده مع محرم فرمودند که منوش
 میر عدل بهادر بخصفیات حال سرزده
 و محرم اردو نیز در سفده نصرت
 اقبال دعوی گذرانیده کله لری بی حکم
 و غیره بس بخصفیات بخرایش
 یافت بعد از آن در داخل ایران
 شدند تصفیه انهار هنگام نصرت
 برای مایه طعام گشته قبوله گاه
 با دای می نماز شبین و دیگر اشعالی
 و شبین عصر که از روزه احسن نماز
 برود دولت بر آید نه بعد از برای
 بجای و نسیم باربان مانده داخل
 محل والا شده مغرب بکلام
 صب سمول اصرام الله دره بار
 را با در نموده فقط
یوم جمیع تبریح النسا
 با دای سیزده و فرضیه یوم آونیه حرام

الدوله بهادر نیز را شرف نبض شناسی
 بخشیده هر وقت افروز در بار جهان
 شده بعد از منشن مجرا و نسیم جان
 علیه ملائک بخت و ایام و کله شکست
 بهادر و فطوا بهادر از بلای محمد
 و جو بار داخل مشکوی خسرو می گردید
 تصفیه انهار هنگام لذت بخش مایه
 طعام شده قبوله گاه با دای
 نماز شبین و دیگر اشعالی و شبین
 خواننده آخرین نماز بجزو کس نوز
 رکاب و ارالکن در بار شوره سیر
 و تفریح بازار تیزی گشته تمام گاه
 از دیو بی خواص پوره داخل
 شبان خود نشان کرده پند
 صب سمول اصرام الله دره بار
 با در نموده فقط

دهم اسرار و حبله
کابل

روان کے اخبار نازہ مورخہ ۱۱۰۱ء
 نو برس سنہ روان سے واضح ہوتا ہے
 کہ مقام مذکور میں یہ صوبہ بھی ہے
 کہ محمد صدیق خان نکلہ بہشت سپاہی
 صرف ہے
 سردار سلطان جان اور سردار
 محمد صدیق خان و بڑھانے فرخ بہ
 قبضہ کر لیا اور استعفیٰ اپنی ہوا ہون
 کے طرف مقام کرنگ کے رہے
 ہیں۔ خیر آمد خان سردار مقام
 فرخ تھک زندہ ہو کر ایک اور
 خیر آمد خان نوزی نام لڑائی میں
 مارا گیا تھا مزارعین مقامات ریند
 اور کنگ کے واسطے متاثر سردار
 غلام جید رخان کے گوارا ضحیٰ
 جانتے ہیں اور سلطان جان کو
 رسد میں پہنچاتے ہیں
 مشہور ہے کہ سردار غلام جید رخا
 مع صرف ایک سو سوار کے آرا
 ارادہ سے قندھار سے روانہ
 ہوا ہے کہ امیر دوست محمد خان کے

خدمت میں مقام کابل حاضر ہو کے
 بروقت ملاقات امیر دوست
 محمد خان اور حضرت کبک خان
 ہاورد پنجاب کے موجود ہوا
 یہ ہی کشتہ ہوتی ہے کہ صاحب کشتہ
 شہزادہ خیر محمد کبک برصغیر میں
 اور انہی میں صاحب اور
 کبک صاحب کو ملک سے روانہ
 ہوئے ہیں اور مقام حرم میں پہنچے
 ہیں ایک دفعہ اتنا براد میں
 صاحبان موصوفین ہر ایک قلو
 سے کچھ نہ دینے بھی کشتہ ہوا
 نہیں سو صاحب کبک موصوفین
 نے اور نہیں کشتہ اور
 اور صاحبان موصوفین نے خراج
 واجب بھی مردمان ضلع حرم سے
 تحصیل کر کے محمد حسین ملازم محمد
 عظیم خان ولد امیر دوست محمد خان
 کے سپرد کر دیا واضح ہے کہ سردار
 محمد عظیم خان امیر کبک طرف سے
 باطمینان ضلع مذکور ہے

